

## منزلت دبیران و نقش کنیزان در سیاست و هنر دوره سامانی

### چکیده

کاتبان و دبیران ایرانی در بین دولت‌های متقارن اسلامی بهترین جایگاه و منزلت را در زمان حکمرانان سامانی داشته‌اند. علاوه بر سعی و جدیت آنان در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی، دولت‌مردان سامانی خود مشوق آنان در این راه بوده‌اند. کنیزان نیز قطع‌نظر از گوناگونی کار و مشاغل آنها، چه در دربار و چه در جامعه آن روز، صرف عنصر زن بودن، نقش بسیار گسترده‌ای در توسعه فرهنگ و تمدن داشته‌اند. با روش توصیفی و تحلیلی که در این مقاله انجام گرفته، شفاف ساختن کار دبیران، کنیزان و دولت‌مردان و تعامل آنها با یکدیگر در این راستا مدنظر می‌باشد. سؤال این است که آیا علاوه بر کردانی و لیاقت حکومتگران سامانی، دبیران و کنیزان نیز در دوام و بقای دولت سامانی نقش مؤثری داشته‌اند؟ وضعیت هنر دوره سامانی چگونه بود؟ هدف در تبیین مطالب مقاله، آشکار ساختن این نکته است که با توجه به اینکه سامانیان با خلفای بغداد مشکلی را ابراز نکردند و خلفای مزبور چندان نظر خوبی نسبت به عناصر ایرانی نداشته‌اند، چگونه سازگار ساختن فرهنگ و تمدن ایرانی با فرهنگ اسلامی برای آنان میسر گردیده است؟ نتیجه، نوآوری و حرف جدید در نوشتار کنونی این است که دبیران و کنیزان از چه روشی برای ایجاد محبوبیت دولت سامانی در میان اقشار مختلف مردم استفاده نموده‌اند. همچنین هنر دوره سامانی در زمینه نقاشی، سفال و معماری پیشرفت قابل توجهی داشت.

### اهداف پژوهش:

۱. واکاوی منزلت دبیران و کنیزان دوره سامانی.
۲. بررسی مختصات هنر دوره سامانی.

### سوالات پژوهش:

۱. منزلت دبیران و کنیزان دوره سامانی چگونه بود؟
۲. وضعیت هنر در دوره سامانی چگونه بود؟

**کلیدواژه‌ها:** دبیران، کنیزان، حکمرانان سامانی، تعامل همگانی، فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی.

## مقدمه

دولت سامانی یکی از دولت‌های متقارن دوره اسلامی است که با نهادی مردمی، فارسی‌زبان و تمدنی ایرانی در غرب آسیا ظهور یافت و نزدیک به یک قرن (۳۸۹-۲۸۷) با اقتدار حکومت نمود. سمرقند و بخارا، مقر فرمانروایی آن‌ها، مهد انتشار فرهنگ و تمدن ایرانی و مرکز زنده نگه‌داشتن زبان پارسی گردید. منابع تاریخی اکثراً بر این باورند که دولت سامانی در بین دولت‌های متقارن، در قبال خلفای بغداد از استقلال بیش‌تری برخوردار بود. باتوجه‌به اینکه سامانیان در روابط خود با خلفای عباسی مشکل خاصی را عنوان نکردند و از طرفی خلفای مزبور نسبت به عناصر ایرانی نظر مساعدی نداشتند، چگونه دبیران، کارگزاران و دولت‌مردان توانستند در بازسازی هویت، زبان، سنن، فرهنگ و تمدن ایرانی، اقدام چشم‌گیری را به عمل آورند؟ آیا جز این است که علاوه‌بر لیاقت، شجاعت و کاردانی حکومتگران سامانی، تعامل و همکاری‌های دبیران، وزیران و کارگزاران با دولت و حکومت موجب قوت یافتن و دیرپایی دولت سامانی گردید؟ عنصر زن قطع‌نظر از روش‌ها و سنت‌های معمول آن روزگار چگونه به‌کار گرفته می‌شد؟ زنان آزاده، هنرمند، شاعره و موسیقی‌دان چه نقشی در حفظ مقام و دوام دولت سامانی داشتند؟ این مسائل و صدها نمونه دیگر آن، نشان‌دهنده تعامل و همکاری‌های گسترده بین اقشار مختلف مردم با دولت سامانی بوده که موجب گسترش و توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی شده است.

کتاب‌های تاریخی متعددی در مورد سامانیان نوشته شده و اخیراً چند مقاله نیز با مطالبی نزدیک به‌عنوان مقاله حاضر نگاشته شده که همگی به بیان مسائل رایج در زمان سامانیان پرداخته‌اند. درخصوص هنرهای مختلف دوره سامانی مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است. شجاعی و مراثی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه نقوش سفال و منسوجات دوره سامانی و آل‌بویه در تطبیق با هنر ساسانی» به یک بررسی تطبیقی دست زده‌اند. در این مقاله آمده است هم‌زمانی تاریخی حکومت سامانی و آل‌بویه، نوزایی فرهنگی و هنری عمده‌ای را سبب شد. در این مقاله آمده است که در دوران سامانیان و آل‌بویه در آثار هنری خود از هنر ساسانی تأثیر پذیرفتند، لکن تأثیرات آن‌ها از جهاتی با یکدیگر متفاوت است. سلطانی مقدم (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان هنر و معماری در زمان سامانیان چشم‌اندازی از وضعیت هنری دوره سامانی ارائه داده است.

مطالبی که در این مقالات نگاشته شده، اگرچه چندان دور از واقعیت نبوده است، لیکن در مقاله حاضر سعی شده است که علاوه‌بر تعاملی که بین سامانیان و اقشار مختلف مردم (دبیران، کارگزاران، کنیزان و دهقانان) برقرار بوده به این موضوع پرداخته شود که چگونه دولت‌مردان سامانی بین خود و خلفای بغداد و مردم توازن برقرار می‌کردند. همچنین وضعیت هنر دوره سامانی چگونه بوده است. بازسازی هویت ایرانی و زنده نگه‌داشتن زبان پارسی و نهادینه‌کردن فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و ایجاد وفاق و همدلی همگانی که خود سبب محبوبیت و دوام و قوام دولت سامانی شده از ویژگی‌های این مقاله است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع تاریخی به رشته تحریر درآمده است.

## نتیجه‌گیری

این مقاله به تبیین و روشن ساختن وجود دموکراسی و آزادی‌خواهی در بین حکومتگران سامانی پرداخته و این حقیقت را به‌طور شفاف بیان می‌دارد که امیران سامانی در به‌کارگیری عناصر ترک از غلامان، بردگان، کنیزان، دهقانان و دیگر اقشار جامعه در دستگاه حکومتی و قدرت خود چگونه استفاده برده‌اند. لیاقت و سیاست امیران سامانی موجب ایجاد

وفاق و همدلی در میان اقشار مختلف جامعه در سایه دین اسلام و آیین ایرانی گردید که خود موجبات پیشرفت امور مملکت و دیرپایی دولت سامانی را فراهم نمود. تقلیل مالیات‌های زراعی، کم کردن شکاف فقر و غنا، سروسامان دادن وضعیت اقتصادی دولت و جامعه، تنظیم هزینه‌های دولتی و پرداخت به موقع حقوق جنگاوران، نشان از کاردانی و وجود عدالت اجتماعی در میان دولت‌مردان سامانی بوده است. استقلال‌طلبی، عدالت‌محوری، ایجاد اتحاد و همدلی و به‌دست آوردن محبوبیت در بین سطوح گوناگون جامعه از جمله هنرمندی‌های سیاسی امیران سامانی به‌شمار می‌آید. باتوجه‌به اینکه خلفای عباسی نظر مساعدی نسبت به عناصر ایرانی نداشتند امیران سامانی با عدم اصطحکاک با آن‌ها، توانستند در به‌کارگیری سنت‌های ایرانی، اسلام را از زمینه‌ها و تنگناها و شعایر عربی بدوی رها کرده و به فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی مبدل سازند و جامعه اسلامی جهانی را از قید و انحصار عربیت آزاد نموده و به دین جهانی و فراگیر تبدیل نمایند و از این جهت پایگاه شامخی در تاریخ جهان به‌دست آورند.

در حوزه هنر نیز هنر نقاشی در دوره سامانیان شروع شد و نخستین نمونه‌های نقاشی در حکومت سامانیان در نیشابور مشاهده شده است. نیشابور در زمان سامانیان سپه‌سالارنشین و امیرنشین خراسان بود و چون خود دروازه رخدادهای فرهنگی بود، الگوی شهری هم چون بخارا شد. در حقیقت نیشابور در آن دوران دروازه و راه گذر بسیاری از هنرهای فرهنگی جهان اسلام بود. در هنر معماری نیز آرامگاه امیراسماعیل سامانی در بخارا نمادی از توجه به معماری اسلامی در این دوره تاریخی است. همچنین سفال‌های به‌دست آمده از نیشابور تأییدی بر امتداد هنر اسلامی در دوره سامانی است.

### فهرست منابع و مآخذ:

ابن مسکویه رازی، ابوعلی. (۱۳۸۹). تجارب‌الأمم فی اخبار ملوک العرب و العجم. ترجمه: ابوالقاسم امامی، ج ۱، چ دوم، تهران: انتشارات سروش.

اتینگهاوزن، ریچارد؛ گرابار، الگ. (۱۳۹۲). هنر و معماری اسلامی. ترجمه: یعقوب آژند، تهران: سمت.

اتینگهوزن، ریچارد. (۱۳۸۶). هنر سامانی و غزنوی. ترجمه: یعقوب آژند، تهران: مولی.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. (۱۸۸۹). المسالک والممالک. چاپ لیدن.

باسورث، ادموند کلیفورد. (۱۳۷۷). تاریخ سیستان از برآمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان. ترجمه: حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.

بذرمنش، حلیمه؛ بحرانی‌پور، علی. (۱۳۹۴). «جایگاه و نقش غلامان و بردگان ترک در حکومت سامانیان». فصل‌نامه جندی‌شاپور، شماره ۳، ۲۲-۱.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد. (۱۳۶۳). تحقیق ماللهند. ترجمه: منوچهر صدوقی سها. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۷۵). تاریخ بیهقی، تاریخ مسعودی؛ به تحقیق، منوچهر دانش‌پژوه. ج ۱، تهران: انتشارات هیرمند.

پورداد، ابراهیم. (۱۳۵۶). فرهنگ ایران باستان. جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۰). تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه. چ نهم، تهران: خیام.

تفضلی، احمد. (۱۳۸۶). تاریخ هنر و معماری اسلامی تا دوره مغول. مشهد: سخن گستر.

جهشیاری، محمدبن عبدوس. (۱۳۵۷). الوزراء و الکتاب، به کوشش، احمد حنفی، قاهره.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۸۰). حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر (حبیب‌السیر) با مقدمه، جلال‌الدین همایی، جلد ۲، چاپ ۴، تهران: انتشارات خیام.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۲). لغت‌نامه. زیر نظر، محمد معین. تهران: چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.

دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. (۱۳۸۴). تاریخ ایران باستان. ترجمه: روحی ارباب، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ستاریان، سامان و همکاران. (۱۳۹۶). «میراث اداری ساسانیان در ایران دوره سامانی». مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۰، ۸۱-۱۰۸.

سمعانی، ابی سعد عبدالکریم. (۱۳۸۲). الأنساب. تصحیح و تعلیق، عبدالرحمن یمانی، طبع وزارت تحقیقات علمی الثقافة للحکومه الهنديه.

فرای، ریچاردنلسون. (۱۳۷۹). تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، ترجمه: حسن انوشه، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۵). شاهنامه. براساس نسخه چاپ مسکو. تهران: کمال اندیشه.

کریستن سن، آرتور. (۱۳۶۸). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه: رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

گردیزی، ضحاک‌بن محمود. (۱۳۶۳). تاریخ گردیزی؛ تصحیح، عبدالحی حبیبی. تهران: ناشر دنیای کتاب.

مرعشی، سیدظهیرالدین بن سید نصیرالدین. (۱۳۶۱). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. چاپ چهارم، تهران: انتشارات شرق.

نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر. (۱۳۵۱). تاریخ بخارا. تلخیص و تصحیح، مدرس رضوی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.